

نظام اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌های اطراف دریاچه اوان

مهرزاد شفیق پور

بخش دوم



تصویر شماره ۱: تالاب اوان، منبع عکس: پایگاه خبری صبح قزوین

مابقی جز گروه دوم و به اصطلاح خانه دومی هستند. یعنی اینکه این منطقه و روستاهای آن محل سکونت دوم آنها (خانه دوم) محسوب می‌گردد. لیکن خانه اول، محل زندگی و کارشان جایی خارج از این روستاهاست. این گروه خانوارها عمدتاً ساکن شهرهای قزوین، کرج، تهران و سایر نقاط هستند. لذا دسته دوم یا خانه دومی‌ها جز خانوارهای ساکن دائم این روستاها نیستند و فقط در نیمه اول سال در اواخر بهار تا اواخر تابستان بین محل سکونت اول و دوم خود در تردد می‌باشند.

اما خانه دومی به دلایل گوناگونی نظیر جمعیت بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر نسبت به ساکنین دائم در نظام تصمیم‌گیری این روستاها نقش بیشتری ایفا می‌کنند. در گذشته نچندان دور در سطح ده یا دهات اربابان، کدخدایان یا بزرگان و ریش سفیدان تصمیم‌گیرنده و مرجع حل و فصل مشکلات پیش روی مردم این منطقه بودند. اما در یکی دو دهه اخیر این شوراها هستند که تصمیم‌گیرنده اصلی این روستاها می‌باشند.

• ساختار و نظام تصمیم‌گیرنده خانواده در بین ساکنین اطراف دریاچه اوان

طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ و همچنین یافته‌های میدانی در زمستان ۱۴۰۰ خانوارهای ساکن روستاهای اطراف دریاچه جز خانوار معمولی ساکن محسوب می‌شوند. طبق یافته‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ در مجموع تعداد ۶۶۴ خانوار معمولی ساکن این روستاها بوده است.

لازم به ذکر است که تعداد خانوارهای معمولی که بصورت دائم در این روستاها سکونت دارند؛ خیلی پایین‌تر از این رقم (۶۶۴ خانوار) می‌باشد زیرا خانوارهای این روستاها به دو گروه تقسیم می‌شوند که گروه اول بصورت دائم و گروه دوم بصورت موقت سکونت دارند. طبق تحقیقات میدانی از میان ۶۶۴ خانوار معمولی در این چهار روستا تنها حدود یک سوم آنها (۱۶۰ تا ۲۰۰ خانوار) جز خانوارهای گروه اول محسوب می‌شوند...

آشپانه خالی را در چهره برخی از این زوج های پیر یا بی همسر و فرزند را احساس نمود.

ب) ویژگی های نظام فرهنگی روستاهای اطراف دریاچه

تعریف نظام فرهنگی: «نظام فرهنگی یعنی ادغام و اجتماعی شدن در جامعه. کنش اجتماعی افراد در برگیرنده گزینش هایی است که بر اساس ارزش ها و هنجارهای درون نظام فرهنگی مشخص می شوند؛ یعنی افراد براساس ارزش های فرهنگی درونی شده به کنش اجتماعی می پردازند.» (بیلینگتون و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۵)

به طور کلی نظام فرهنگی جامعه مورد مطالعه که ارزش ها و داشته های مادی و غیر مادی بخشی از فرهنگ آن می باشند را می توان به دو دسته مادی و غیر مادی تقسیم نمود که در زیر به طور مختصر به هر یک از این دو نوع فرهنگ پرداخته شده است. ابتدا نگاهی داریم به تعریف این دو نوع فرهنگ:

۱- **فرهنگ مادی:** این فرهنگ در برگیرنده آن دسته از عناصر فرهنگی است که حالت شی و نمود خارجی دارند. مواردی مانند وسایل زندگی، حمل و نقل، پوشش، تغذیه و اماکن مذهبی - فرهنگی چون مساجد، حسینیه ها، سقاخانه ها، زورخانه ها، قهوه خانه ها و اماکن آموزشی و ورزشی دانست.

۲- **فرهنگ غیر مادی:** این نوع فرهنگ که از آن به عنوان فرهنگ معنوی یاد می شود فاقد تظاهر خارجی است و شامل عناصر فرهنگی از قبیل عادات، اعتقادات و ارزش های اجتماعی میباشد.

• ویژگی فرهنگ غیر مادی روستاهای هدف

از جمله مهمترین ویژگی فرهنگ غیر مادی این روستاهای زبان، آداب و رسوم اجتماعی، سرزمین، پیشینه، دین، پوشش، شیوه معیشت، باورهای سنتی و اعیاد ملی و مذهبی (از جمله ایام تاسوعا و عاشورای حسینی، مراسم شور گرفتن در شب عاشورا در روستای زرآباد، مراسم شب یلدا، مراسم نوروز خانی در روستای زرآباد و عید نوروز) از جمله نقاط اشتراک و عوامل پیوند دهنده میان ساکنین این روستاها (اوان، زرآباد، زواردشت و ورین) می باشد. به همین دلایل میزان تجانس فرهنگی، قومی و مذهبی در میان مردمان این منطقه بالاست و از هم آمیختگی اجتماعی بالایی برخوردارند. به طوری که اکثریت شرکت کنندگان در جلسات بحث گروهی متمرکز، اظهار داشته اند: میزان همیاری و همبستگی آنها با یکدیگر در حد خوب است. در سور و سوگ هم شریک، همراه و هم دل اند و در حل مشکل یکدیگر و مشکلات عمومی روستا مشارکت می کنند.

۱- ویژگی های فرهنگ مادی روستاهای هدف

هویت با سه مقوله مکان (جغرافیا)، فضا (شبکه ها و روابط اجتماعی) و زمان (تاریخ) پیوندی وثیق دارد و از ویژگی ها و تأثرات این سه پدیده متأثر می شود. (احمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۶) اما هویت قومی که ناشی از روابط اجتماعی است «از دوران پیش از تاریخ همچنان تداوم داشته است، ریشه در احساس تعلق به طایفه، تیره، قبیله، قوم و ایل دارد. افراد یک قوم یا طایفه که نیا و آداب و رسوم و کلاتران و کدخدایان مشترک دارند، در سرزمین معین زندگی می کنند، هم زبان اند، با یکدیگر در زمینه های اقتصادی همیاری دارند برای دفاع از منافع جمعی قوم و قبیله می جنگند و معمولاً با نام معین و هویت جمعی مشخص از اقوام و طوایف دیگر متمایز می شوند.» (اشرف، ۱۴۰۰: ۲۲)

لیکن مسئله اینجاست اکنون اکثریت قریب به اتفاق اعضای شورای روستا، دهیاران، هیئت امنای مساجد و مراکز مذهبی، اعضای هیئت مدیره تعاونی ها و دیگر نهادهای مردمی این روستاها از میان همین خانه دومی ها انتخاب شده اند که متأسفانه این امر موجب ایجاد مشکلاتی در روند تصمیم گیری، پیگیری حل مشکلات و توسعه این روستاها و دریاچه شده است.

به این دلیل برخی از اهالی روستاهای مذکور پاره ای از مسائل پیش روی روستای خود را ناشی از مسئله حضور موقت افراد تصمیم گیرنده در روستاها می دانند. در این زمینه یکی از جوانان روستای اوان بنام رضا که جز ساکنین دائم روستاست عنوان می کند:

«امروزه کسانی به جای ما تصمیم می گیرند که دور از هر گونه درد و رنج ما هستند. آنان فقط اینجا را برای تفریح خود و خانواده شان انتخاب کردند. به فکر حل مشکلات و توسعه روستا نیستند.»

همچنین علی از دیگر جوانان روستای زرآباد در مورد حضور خانه دومی ها در روستای خود می گوید:

«در چند ساله اخیر خیلی از مهاجرین روستا که چند دهه قبل روستا را ترک کردند به منطقه بازگشت نمودند و روستا را برای تفریح و استراحت خود انتخاب نمودند. آنان علاقه چندانی به توسعه روستا خصوصاً توسعه گردشگری منطقه ندارند.»

بیشتر اینجا را برای خلوتی و آسایش خود انتخاب کردند و علاقه چندانی به نشاط و سرزندگی و شلوغی آن ندارند. این گروه (خانه دومی ها) که تعدادشان هم کم نیست، باعث زحمت ما شدند. نه فقط باعث افزایش زباله های روستا می - شوند بلکه مایحتاج، خورد و خوراک خود را در شهر تأمین می کنند و کوچکترین سودی به مردم ساکن روستا نمی - رسانند.»

در گفتگو با دو تن دیگر از بزرگان و ریش سفیدان روستای زرآباد که قبلاً عضو شورا و مرجع تصمیم گیری و حل فصل مشکلات روستا بودند؛ سوال می شود که چرا تمامی اعضای شورای روستاها خانه دومی هستند و شما کنار کشیده اید که در پاسخ می گویند:

دیگر جوانی در روستا باقی نمانده ما نیز به دلیل نداشتن سواد بالا در انتخابات شورای روستا، نمی توانیم شرکت کنیم.

اما ساختار خانواده در این روستاها به عنوان یک نهاد اجتماعی به لحاظ الگوی زندگی، شکل هسته ای به خود گرفته است و امروزه دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. اکثریت ساکنین معتقدند که ساختار خانواده ها طی چند دهه اخیر دچار تغییر شده و دیگر نقش زیادی در انتقال ارزش ها و فرزند پروری ندارد.

در اکثر خانواده های منطقه تحصیلات مردان سرپرست یا رئیس خانواده پایین تر از دیپلم است و آنان برتری کامل خود را در محیط خانواده حفظ کرده اند. آنان تصمیمات مهم را اتخاذ می کند و زنان در این جوامع پیرو مردان خانواده هستند.

طبق مطالعات صورت گرفته شده اکثریت قریب به اتفاق فرزندان این خانواده ها به دلیل نبود شغل، درآمد و ازدواج اقدام به مهاجرت نمودند لذا جمعیت اکثریت خانواده های که سکونت دائم در این روستاها دارند؛ بیش از دو نفر نمی باشد. بیشتر خانواده ها شامل مردان و زنان سالخورده ای هستند که پس از مهاجرت فرزندان تنها مانده اند. برخی نیز همسران خود را از دست داده و به تنهایی زندگی می کنند. بنابراین به راحتی می توان درد تنهایی یا سندرم

یک از این روستاها دارای چند درخت چنار کهنسال در دل خود داشته اند که نمونه بارز آن درخت چنار خونبار روستای زرآباد و یا درخت چنار روستای زواردشت (در تصاویر شماره ۷ و ۱۰) می باشد.

طبق روایت یکی از بزرگان روستای اوان، این روستا نیز دارای چند درخت چنار با قدمت بالا بوده که نشانگاه و هویت روستا بوده اند که متأسفانه به دلیل بی تفاوتی و ندانم کاری برخی از بزرگان و تصمیم گیرندگان روستا قلع و قمع شدند. آن بزرگ روستا، با آه و حسرت در مورد سرنوشت درختان چنارشان می گوید:

«زمانی که اهالی قصد ساخت مسجد روستا را داشتند در آن زمان به قدری تنه این درختها بزرگ بود که اهالی توانایی و ابزار لازم برای قطع آن درختها را نداشتند. یک گروه چوب بر از اصفهان آمد و به قیمت ۴۰۰ هزار تومان (آن زمان که خیلی پول ارزشمند بود) خریداری و بردند. متأسفانه همان ۴۰۰ هزار تومان صرف کندن ریشه درختان در زیر خاک به منظور پی ریزی ساختمان مسجد شد.»

بنابراین با این اوضاع و احوال اما هنوز امیدوی برای زنده نگه داشتن این میراث، در صورت داشتن برنامه ریزی و مدیریت درست با حضور کارشناسان و دست اندرکاران دلسوز کشور و مداخله مردم وجود دارد.

در ادامه گزارش به همین منظور طی مشاهدات و مصاحبه های گروهی و عمیق با مردم برخی از آثار فرهنگی از جمله فضاهای جمعی خاطره انگیز و هویتی همراه با صنایع دستی و غذاهای محلی روستاهای اطراف دریاچه اوان شناسایی که اسامی و تصاویر برخی در ادامه گزارش آماده است.

اسامی عناصر فرهنگی منطقه به تفکیک روستا:

۱- **اوان:** تپه های باستانی، آثار حمام تاریخی، آثار خانه اربابی، خانه اعیانی، چشمه طبیعی داخل روستا، هفت چشمه در پایین- دست روستا و دریاچه اوان؛

۲- **زرآباد:** تپه های باستانی، مسجد جامع زرآباد، آرامگاه امامزاده علی اصغر (ع)، درخت چنار خونبار، باغات فشرده شبیه جنگل طبیعی و مراکز بوم گردی؛

۳- **زواردشت:** خانه اربابی، حمام تاریخی، چنار کهن، درختان گردو در کنار جاده زرآباد به اوان، درخت گردو در جوار مسجد روستا و کوچه باغ های روستا؛

۴- **وربن:** بافت سنتی روستای، چشمه های جاری آن، باغات و دریاچه اوان.

صنایع دستی مشترک منطقه: گلیم بافی، قالی بافی، سبد- بافی، موج بافی، جوراب بافی، نمد مالی، جاجیم بافی، کلاه نمادی، جل، چادر شب، چهار نالی، ریسمان بافی، گیوه دوزی. **غذاهای محلی مشترک منطقه:** آش ترشی، نان محلی مزگین و محصولات لبنی.

آنچه در ادامه گزارش قابل مشاهده است، تصاویر برخی از آثار طبیعی و دستاوردهای گذشته و حال مردمان این دیار است.

منابع:

۱. اشرف، احمد، هویت ایرانی، (۱۴۰۰)، ترجمه احمد احمدی، انتشارات نی.
۲. احمدی، احمد، ایران، (۱۳۸۳)، هویت، ملیت و قومیت، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۳. یرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، (۱۳۷۵)، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان.
۴. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، جامعه شناسی گیدنز، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سوم، انتشارات نی.

وجود هویت قومی در کنار عواملی که هویت بصری و کالبدی را شکل می دهند، باعث تقویت حوزه عمومی و هویت جمعی می- گردد. بناهای تاریخی، مذهبی و فرهنگی، باغ ها و محوطه های عمومی، گذرها، رودخانه ها، دریاچه ها و... که در روستاهای مورد نظر موجودند، جزء آن دسته از فضاهایی هستند که بار اجتماعی داشته و حاوی پیام و مفاهیمی وابسته به فرهنگ بومی این منطقه هستند. بنابراین این فضاها مهمترین فضاهای هویت ساز این روستاها هستند.

پدیده ای که طی چندین دهه اخیر، روستاهای مورد نظر با آن مواجه شدند؛ جریان های مهاجرتی است که یکی پس از دیگری ابتدا بصورت مهاجر فرستی و سپس مهاجر پذیری در منطقه رخ داده است.

در مرحله اول طی چهار دهه گذشته عواملی از جمله:

- افزایش جمعیت روستاها و به تبع آن کمبود امکانات، شغل و بیکاری، کمبود درآمد؛

- ناکارآمدی اقتصاد کشاورزی سنتی ناشی از پراکندگی نامناسب زمین های آبی و عدم مهارت کشاورزان

- عدم حمایت دولت ها از کشاورزان و صنایع و تولیدات روستایی در برابر تولیدات شهری و واسطه گران؛

- تغییرات زیست محیطی همچون خشکسالی های متداول در طی سه دهه اخیر.

باعث گردید که اساساً میزان تاب آوری ساکنین این روستاها کاهش پیدا کند. لذا تاب آوری مکانی پایین در این منطقه میل به ماندگاری در روستاها را کاهش داده و باعث موج مهاجرت فرستی و تخلیه این روستاها از نیروی کار جوان و مولد شده است.

در مرحله دوم و طی یک دهه گذشته عواملی از جمله:

- ایجاد زیرساخت های روستای نظیر راه آسفالته، آب، برق و گاز رسانی؛

- آب و هوای مناسب و پتانسیل های طبیعی منطقه در جذب گردشگر و خانه دومی ها؛

- نزدیکی آن به چندین قطب تجاری، اداری، آموزشی و فرهنگی و... کشور چون استان های قزوین، البرز و تهران؛ موجب بازگشت و جذب مهاجرین بومی و تا حدودی غیربومی به منطقه شده است.

بنابراین مسئله جریان های مهاجرتی طی چندین دهه اخیر به شدت تأثیرات منفی بر عناصر هویتی این چهار روستا و روستاهای هم جوار در کل منطقه گذاشته است که به وفور در موج اول مهاجرتی (مهاجر فرستی) شاهد رهایی و تخلیه این روستاها هستیم که موجب فرسودگی بافت و خانه های قدیمی، آثار و بناهای تاریخی- فرهنگی، حتی به فراموشی سپردن برخی آیین ها، هنرها و صنایع دستی به عنوان مأخذ غنی فرهنگ و تمدن این دیار گردیده است.

سپس در موج دوم مهاجرتی (مهاجر پذیری) ما شاهد ساخت و سازهای لجام گسیخته ناشی از ورود مهاجرین به قیمت تخریب محیط زیست، باغات و مزارع، تخریب بافت و نوسازی خانه های روستایی و در نهایت محو شدن خیلی از نشانه ها و عناصری هویتی و به محاق رفتن فرهنگ گذشته این روستاها هستیم.

به عنوان مثال یکی از عناصر هویتی روستاهای همجوار دریاچه اوان درختان کهن سال و مورد احترام مردمان این دیار است که هر



تصویر شماره ۳: مرکز بوم گردی، زرآباد



تصویر شماره ۲: خانه تاریخی اوان



تصویر شماره ۴: نمونه موج دست بافت مخصوص کرسی، محل اثر، روستای زواردشت

تصویر شماره ۶: طبیعت و باغات اطراف زواردشت و زرآباد



تصویر شماره ۵: نمونه بافت قدیم و جدید در روستای زواردشت





تصویر شماره ۸: خانه قدیمی و محل بوم گردی در زرآباد



تصویر شماره ۷: درخت چنارخون بار زرآباد



تصویر شماره ۹: امامزاده علی اصغر زرآباد

تصویر شماره ۱۱: حمام تاریخی زواردشت



تصویر شماره ۱۰: درخت چنار مورد احترام در زواردشت



منبع تصاویر: آوای همیاری، مهرزاد شفیعی پور